

«وَأَمَّا حَقُّ يَدِكَ فَإِنَّ لَكَ تَبَسُّطَهَا إِلَى مَا لَمْ يَحِلْ لَكَ فَتَنَالَ بِمَا تَبَسَّطَهَا إِلَيْهِ مِنَ اللَّهِ الْعُقُوبَةَ فِي الْأَجْلِ وَمِنَ النَّاسِ بِلِسَانِ اللَّائِمَةِ فِي الْأَعْجَلِ»

عرض کردیم هفتمین حقی که امام علیه السلام به آن اشاره می‌کند حق الید است. در جلسه گذشته توضیحی اجمالی در مورد این حق دادیم. اما امروز آن را توضیح می‌دهیم. امام سجاد (علیه السلام) ابتدا به حق سلبی توجه دادند. یعنی کاری را یا عملی را دست نباید انجام دهد، آنگاه به دو اثر عمل نکردن به چنین حقی اشاره کردند، آن حق سلبی چیست؟ «فَأَنَّ لَكَ تَبَسُّطَهَا إِلَى مَا لَمْ يَحِلْ لَكَ» دستش را باز نکند به سوی حرام، «مَا لَمْ يَحِلْ لَكَ» یعنی به سوی حرام.

معنای ید

«ید» هم می‌تواند معنای حقیقی آن اراده شده باشد و هم معنای کنایی آن؛ همانطور که در مورد «رجل» این نکته را گفتیم. در مورد پا گفتیم یک وقت به عنوان عضوی از اعضا کار حرام یا کار حلال می‌کند. این معنای حقیقی است، یعنی مثلاً گام می‌زند برای زیارت امام حسین (ع)، گام می‌زند برای نجات کسی از مرگ، یا گام می‌زند برای رفتن به مجلس حرام یا در زمین غضبی گام می‌زند؛ یک معنای کنایی هم دارد، معنای کنایی یعنی اینکه هر نوع ورود انسان در محدوده‌ای که حرام یا حلال است، هر تلاشی که انسان می‌کند، هر قدمی که برای رفع حاجت یک مسلمان بر می‌دارد، برای آشتی بین دو مسلمان ممکن است در منزل باشد و با تلفن این کار را بکند، از این عضو واقعا استفاده نکند، این هم سعی و تلاش برای اصلاح ذات البین است، پس یک معنای حقیقی دارد و یک معنای کنایی. ما عرض کردیم وقتی بحث این عضو به میان می‌آید ظاهرش این است که معنای حقیقی را دارد بیان می‌کند، ولی اگر آن معنای کنایی هم مراد باشد مشکلی ندارد. در مورد دست نیز همین است.

دست یک معنای حقیقی دارد، دراز کردن و بستن دست یک معنای حقیقی دارد. کسی دستش را دراز می‌کند خدای نکرده نامحرمی را لمس می‌کند، کسی دستش را دراز می‌کند از جیب کسی پول در می‌آورد یا خدای نکرده دستش را دراز می‌کند جنسی را از مغازه سرقت می‌کند، این معنای حقیقی دست و دست دراز کردن است.

یک معنای کنایی نیز دارد دست و دست دراز کردن یعنی تعرض و دست اندازی به اموال و حقوق و ناموس دیگران ولو ممکن است این دست به معنای حقیقی حرکتی نکند، ولی تعرض به اموال و حقوق دیگران در این معنا داخل است. اگر کسی مثلاً وارد در یک فضایی شود که نباید آنجا وارد شود، ملک کسی است، نامحرم در آنجا هست، این می‌شود دست درازی به حقوق دیگران؛ به حریم شخصی دیگران وارد شود، این می‌شود دست درازی به حقوق دیگران، این می‌شود آن معنای کنایی، ممکن است دستهایش بسته باشد و حرکتی هم نکند ولی دست درازی محقق شود. اگر کسی خدای نکرده به اموال دیگران تعرض کند، زمین کسی را غصب کند، این هم دست درازی به مال دیگران است.

حق اول (سلبی)

اگر ما معنای ید را اعم از معنای حقیقی و کنایی بگیریم، دست درازی نیز دو مصداق پیدا می‌کند، یک معنای حقیقی و یک معنای کنایی؛ دست درازی به معنای حقیقی یعنی اینکه دستش را دراز کند و پول کسی را از جیب یا صندوق مغازه بردارد، اما معنای

کنایی دست درازی، جلوه‌ها و مصادیق گوناگون دارد، خیلی مورد برای آن می‌توانیم ذکر کنیم، اگر کسی حق کسی را تضييع کند می‌شود دست اندازی به حقوق دیگران، اگر در مال کسی تصرف کند، این می‌شود دست اندازی به حقوق دیگران. امام (ع) می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ يَدِكَ فَإِنَّ لَكَ تَبَسُّطَهَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ» حق دست تو این است که آن را باز نکنی، نگشایی، دراز نکنی به سوی چیزی که بر تو حلال نیست. حال اگر بخواهیم مصادیق دست درازی حقیقی و کنایی انسان را در ذکر کنیم و مواردی را ذکر کنیم، موارد زیاد است.

۱. یکی از موارد دست درازی حرام به معنای حقیقی، لمس الاجنبیه یا لمس اجنبی است. مرد لمس کند مرد نامحرم را، زن لمس کند مرد نامحرم. پیامبر فرموده است: «قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ ابْنِ آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّوْنَاءِ الْعَيْنُ زِنَاهُ النَّظَرُ وَاللِّسَانُ زِنَاهُ الْكَلَامُ وَالْأُذُنَانِ زِنَاهُ السَّمْعُ وَالْيَدَانِ زِنَاهُمَا الْبَطْشُ وَالرِّجْلَانِ زِنَاهُمَا الْمَشْيُ»^۱ هر عضوی از اعضای انسان یک بهره‌ای از زنا دارد، زنا چشم نگاه به نامحرم است، زنا زبان سخن گفتن نابجا مثل غیبت و تهمت و دروغ است، زنا گوش شنیدن امور حرام است، آنچه که نباید بشنود و زنا دست‌ها بطش به معنای دست درازی به نامحرم است، لمس کردن نامحرم است.

۲. سرقت: سرقت با دست، ما در مورد سرقت روایات و آیات داریم که این کار حرام است و مجازات بر آن تعیین شده است و حتی حد قطع ید با شرائطی ثابت شده است، این هم مصداق دست درازی است که از آن منع شده است.

۳. یاری ظالم: اگر ستم‌گری بخواهد با قلمش حکم قتل کسی را یا مجازات کسی را بنویسد، اگر کسی مرکب برای او فراهم کند تا او بتواند او قلمش را در آن بزند تا بنویسد، یا قلم آن ستمگر را بتراشد، حرام است و مجازات برای او در نظر گرفته شده؛ این خیلی مهم است، تراشیدن قلم ستمگری که می‌خواهد با آن به کسی ظلم کند، اینها جزئی است، دست درازی‌های حرام و کوچک است. در بحار این روایت نقل شده که در روز قیامت منادی ندا می‌دهد که ظالمان و یاری رسانندگان ظالمان کجايند؟ همانجا می‌گویند آن کسی که در دوات آنها ليقه ریخته (الیافی که در جوهر می‌گذاشتند) یا کیسه‌ای را برای آنها بسته یا قلمی را برای آنها تیز کرده، پس اینها را با آنها محشور کنید. خیلی عجیب است، اینقدر مسئله ظلم و ستم و همکاری با ستمکاران در نزد خداوند میغوض است که در این حد می‌فرماید. این فراز شامل این مورد هم می‌شود.

«والحمد لله رب العالمين»